

روایت روزمرگی

۱۲ روز جنگ



زهرا اشتیانی

این یادمد می‌تواند نزدیک به مرگ باشد. آسمانی که پر از لکه‌های کوچک نورانی است و با سرعتی عجیب ناپدید می‌شوند. صداها، هم‌زمان با همین نقطه‌های روشن ظاهر می‌شوند و اندام آسمان را می‌درند. عجیب‌تر آنکه همه اینها در سست در وسط عادی‌ترین شکل زندگی رخ می‌دهد. میان ماهواره روشن و کانال‌های اخبارگو، کتاب و کافه‌های روی میز و یک ظرف پر از هندوانه. صداها این‌طوری می‌آید؛ مثل یک تیزی که ناگافل، پیکری را به قصد مرگ می‌شکافد. ترسیده بودم؟ نمی‌دانم. حس مبهمی بود که شباهتش بیشتر به اضطراب بود تا ترس. شاید هم راست نمی‌گویم یا ایا دارم از بیان ترسی که در تنهایی مطلق به جانم ریخته است. لباس تتم می‌کنم و به سمت پنجره می‌روم و آن را باز می‌کنم. در چشم‌هایم نگرانی موج می‌زند. این را از صورت منقبض‌شده‌ام می‌فهمم. سرم را بیرون می‌برم و به آسمانی نگاه می‌کنم که دیگر آبی نیست. تاریکی عظیمی است که شره نورهای مشکوک روشنش کرده و ترسان‌تر، امواج در نوسان صداهای مهیبی است که هر چند دقیقه کوتاه، جایی فرود می‌آید. چه خجالت‌آور است که در ذهنم می‌گذرد، هیچ انفجاری به سمت خانه من نخواهد بود یا نباشد. آبا معنای دیگری این است که مرگ دیگری را بر خود ترجیح می‌دهم؟ همین حالا و درست در همین لحظه، چندین جان از دست رفته‌اند؟ در چه حالت‌هایی بوده‌اند؟ در خواب رفته‌اند یا در هوشیاری و آگاهی کامل. شاهد مرگ خویش بوده‌اند؟ صداها مهیب، بنای توقف ندارند. مرگ نزدیک است. کاری از من بر نمی‌آید. چه کارهای ناتمامی، چه زندگی بی‌سرانجامی! کاش می‌شد «مسیحا» را می‌دیدم. حتی شده برای یک بار، بغلش می‌کردم، فشارش می‌دادم، بویش می‌کردم و می‌گفتم تا چه اندازه دوستش می‌دارم. دیگر معلوم نیست تا دهم مرداد که تولد ۱۸سالگی تنها بچه‌ام است، زنده بمانم. لعنت به جنگ، لعنت به دوری‌های اجباری. لعنت به نطفه‌هایی که در غلط‌ترین موقعیت‌های جغرافیایی بسته می‌شوند.

کوشی را برمی‌دارم و برای چند نفر جمله‌هایی می‌نویسم شبیه خداحافظی. شبیه آنکه دیگر فرصتی برای هیچ چیز نیست، جز مرگ که درست بر فراز خانه‌ها به پرواز درآمده و هر جا که بخواهد، فرود می‌آید. میان عشق‌های ناکام، عشق‌های نوبرانه و کدورت‌هایی که فقط نیازمند فرصتی برای ترمیم بوده‌اند. بچه‌های کوچک و آنها که عمری سپری کرده‌اند در اندوه و شادمانی، رنج و تعب یا آسودگی و آرامش. به خودم فکر می‌کنم. خودم را نگاه می‌کنم و از تنهایی غم‌بارم به گریه می‌افتم. زندگی بدون داشتن خانواده، بی‌معناترین شکل زیستن است. تعلیقی بی‌پایان و یک‌جور آویزان ماندن آونگوار، میان زمین و آسمان است. باید کسی باشد که بشود او را در آغوش گرفت و شاید فقط در این شکل است که می‌توان وحشت مرگ را تاب آورد. در واتس‌اپ، برای پدرم در دورترین قاره دنیا، پیام می‌گذارم. برایش جمله‌ای می‌نویسم. مکث می‌کنم.

حروف را پاک می‌کنم و فقط می‌نویسم به امید دیدار. برایش می‌نویسم:

بابا جان سلام

اینجا شرایط خیلی ترسناکی است.

نامی ندانم چه بشود!

اگر همدیگر را ندیدیم، خداحافظ!

شاید پس از مرگ، جهان بهتری در انتظارمان باشد.

امیدوارم همه شما سلامت باشید.

بوس و بغل محکم....

روی کوشی، مدام خبرهای تازه می‌رسد. پروکسی‌ها کار نمی‌کند و فقط تیتَر خبرهای تلگرام را نشان می‌دهد. خبرها می‌گوید ترامپ از آتش بس گفته. می‌گویند اگر حملات تا ۳۰۳۰ باامداد تمام نشود، ایران آتش‌بس را می‌پذیرد و پاسخی به حملات سه‌گمین امنش به در تمام این چند روز، بی‌سابقه بوده است، نخواهد داد. به ساعت نگاه می‌کنم. درست ۳:۲۶ باامداد است و من نمی‌دانم جنگنده‌های حمله‌کننده چگونه خواهند توانست در چهار دقیقه، سکوت را به آسمان برگردانند. بعد تیتَر خبر دیگری می‌آید. نوبت وزیر امور خارجه است که تا ساعت ۴ باامداد برای توقف جنگ زمان تعیین کرده است. به ساعت نگاه می‌کنم. ۴:۲۳ است. تلویزیون را روشن می‌کنم. اخبار و تحلیل زنده، خبر از آتش‌بس دارد، جنگ گویا به پایان رسیده است و حالا در صفحات پرورق تاریخ، یک جنگ دیگر نیز نوشته خواهد شد؛ جنگ ۱۲روزه....

خبر

شلیک مستقیم به ۱۰ آمبولانس

و شهادت ۴ نفر

معاون پرستاری وزارت بهداشت گفت: «بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری و لبافی‌نژاد دوشنبه‌شب مورد حمله قرار گرفتند که بیمارستان شهید مطهری تخلیه شد و بیماران به سایر مراکز منتقل شدند، بخش‌هایی از بیمارستان لبافی‌نژاد نیز دچار آسیب شده بود که فرایند انتقال انجام شد». بر اساس اعلام عباد عیادی در یک برنامه تلویزیونی، در این مدت حداقل پنج بیمارستان مورد حمله قرار گرفت که دو مورد آن مربوط به دوشنبه‌شب است. همچنین بیش از ۱۰ آمبولانس در ۱۲ روز گذشته هدف مستقیم قرار گرفته و چهار نفر از همکاران به شهادت رسیدند. تعداد زیادی از همکاران هلال‌احمر هم مصدوم شدند. او ادامه داد: «اولین بیمارستانی که آسیب دیده بود بیمارستان فارابی کرمانشاه بود که دو نوبت مورد حمله قرار گرفت و از روز دوشنبه وارد مدار خدمت‌رسانی شد. بیمارستان مطهری نیز دو نوبت تحت تأثیر قرار گرفته و بیمارستان کودکان حکیم‌تهران و بیمارستانی در آذربایجان نیز تاکنون مورد آسیب قرار گرفته‌اند». معاون پرستاری وزارت بهداشت همچنین با اشاره به حضور بیش از ۲۰۰ هزار کادر پرستاری در صف اول خدمت‌رسانی، گفت: «از اولین دقایق این جنگ ۱۲روزه که دشمن صهیونی به ما تحمیل کرد، همه پرستاران پای کار بودند و با آموزش مدیریت بحران با بالاترین سرعت همه اقدامات درمانی اولیه شامل اقدامات اورژانسی و سایر خدمات به‌خوبی انجام شد». او ادامه داد: «ما ۶۵ دانشگاه علوم پزشکی در کشور داریم که تقریبا ۳۷ دانشگاه در این وقایع مستقیما درگیر بودند و جمعیت ۲۱۵ هزار نفری گروه پرستاری جزء رده‌های اول خدمات بودند. با توجه به سازماندهی و آموزش‌هایی که ارائه شده بود تمام گروه‌ها تکالیف خود را می‌دانستند و به موقع خدمات را ارائه کردند و با همکاری صورت‌گرفته در حوزه سلامت تلاش بر این شد که بالاترین خدمت با بهترین کیفیت ارائه شود».

مراکز مختلف نگهداری از کودکان که زیرمجموعه

بهبیستی‌اند، این روزها برای اسکان امن و خدمات به مددجویهای خود با مشکلات متعدد روبه‌رو شده‌اند. مددجویان گروه‌های آسیب‌پذیری‌اند که در گیودار جنگ، به هر دلیل، در این مراکز مانده‌اند؛ از بیماران دارای معلولیت و درگیر اعتیاد، تا کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست شبه‌خانواده که به دلیل حملات اخیر به مراقبت بیشتری نیاز دارند. مسئولان این مراکز از نگرانی خود می‌گویند که از نظر تأمین اقلام غذایی و درمانی و حتی هزینه آب، برق و پرداخت حقوق پرسنل با نگرانی‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مسئولان آسایشگاه‌هایی که افراد دارای معلولیت را نگهداری می‌کنند، از نداشتن توان حرکتی بیماران خود می‌گویند که هنگام بحران، حرکت بیماران با واکر، ویلچر، تخت و تجهیزات پزشکی کار دشواری خواهد بود. یکی از مراکز شبه‌خانواده که از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست نگهداری می‌کند، به «شرق» می‌گوید کودکان را به ساختمانی امن در اطراف تهران منتقل کرده‌اند. براساس بررسی‌های «شرق»، بیشتر مراکز شبه‌خانواده در همین وضعیت معلق قرار دارند. افراد درگیر اعتیاد هم که در کمپ‌های اجباری و اختیاری تحت مراقبت هستند، گاه با ترخیص زودتر از موعد روبه‌رو شده‌اند که روی درمان این افراد تأثیر می‌گذارد. با این حال بیشتر مددکاران این مجموعه‌های مردم‌نهاد، شبانه‌روزی در کنار مددجوها هستند.

چالش اسکان موقت کودکان

آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد، بسیاری از مراکز شبه‌خانواده، کودکان تحت پوشش خود را به مکان امن‌تری برده‌اند. مانند کودکان مرکز «خانه روشنا» که از همان روز اول برای امنیت بیشتر به مکانی خارج از تهران منتقل شدند. زهرا یآوری، مدیرعامل روشنای امید ایرانیان، برای «شرق» توضیح می‌دهد: «ما با مجوز از بهزیستی تمام افرادی را که در مرکزمان حضور دارند، به خارج از تهران و به ویلای یکی از مربیان منتقل کردیم». در این مدت مربیان و مدیر فنی مرکز کنارشان بودند و سعی کردند کنار کودکان بمانند. درحال‌حاضر مربیانی که برای مراقبت از کودکان همراه آنها هستند، خانه و زندگی‌شان را رها کرده‌اند تا از دختران ما مراقبت کنند. کودکانی که تحت پوشش ما هستند، شش تا ۱۸ سال دارند که عمدتا بدون سرپرست یا بدسرپرست‌اند. با این حال طبق دستور بهزیستی خانواده‌هایی که مجوز دارند و کودکانی که شرایط بازگشت به خانواده را دارند، باید به خانه برگردند. از بین کودکان ما هم تنها یک نفر چنین شرایطی را داشت و با حمایت کامل ما به خانواده‌اش برگشت. برای سایر دختران هم با کمک خیرِ مکان امن و آرامی در نظر گرفتیم که هر روز با برنامه تفریحی در آن مکان سرگرم هستند». در چنین شرایطی معمولا از کمک‌های مالی و داوطلبانه برای مراکز مردم‌نهاد کاسته می‌شود که یآوری هم در بین صحبت‌هایش به همین‌ها اشاره خوراک و پوشاک و حتی حقوق پرسنل اشاره می‌کند: «وقتی حملات شروع شد، باید به‌سرعت تصمیم می‌گرفتیم که چه اقدامی انجام دهیم. به همین دلیل بیشتر دختران را با یک تا دو دست لباس از مرکز خارج کردیم. با اینکه اقلام خوراکی و مایحتاج را همراه خود بردیم ولی هزینه نگهداری از فرزندان، بالاست. از طرفی باید حقوق پرسنلی را که با ازخودگذشتگی همسر و فرزندان خود را تنها گذاشتند تا کنار این افراد باشند، هم پرداخت کنیم که همه این مسائل چالش‌هایی برای ما و تمام مراکز است. تا همین الان تمام هزینه‌ها را علی‌الحساب پرداخت کردیم و منون نیروهایی هستیم که در چنین شرایطی هم از وظیفه اخلاقی خود فروگذار نکردند. آنها در این‌ روزها کاملا به صورت دلی فعال هستند».

بحران افراد دارای معلولیت

افراد دارای معلولیت آسایشگاه‌ها، معمولا با کمک ویلچر و واکر حرکت می‌کنند و بسیاری هم وابسته به تخت‌اند و پرسنل فقط با تخت باید آنها را جابه‌جا کنند. در این شرایط بسیاری از آسایشگاه‌های این افراد نگران‌اند که هنگام حمله موشکی، چطور از جان این افراد محافظت کنند. آن‌هم بیمارانی که به تجهیزات درمانی نیاز دارند. حشمت نبوی، مدیر روابطعمومی آسایشگاه معلولان شهید فیاض‌بخش مشهد، هم از نگرانی‌های خود به «شرق» می‌گوید: «افرادی که تحت پوشش ما هستند، عمدتا بی‌سرپرست یا فاقد سرپرست مؤثرند. تعداد محدودی از این افراد که خانواده دارند، از نظر مالی و مناسب‌سازی منزل، امکان نگهداری این



عکس:تهانازاری‌ایرنا

گزارش «شرق» از شرایط پیچیده کودکان بی‌سرپرست، معتادان و افراد دارای معلولیت

انتقال کودکان، ترخیص اختیاری معتادان



نسترن فرخه

افراد را ندارند، با این حال ما هر سال طرح نظافت تابستانی و سم‌پاشی برای این ۵۵۰ معلول تحت حمایت خود داریم که امسال هم در حال اجرای آن بودیم. قبل از این حملات پیکر بودیم تا اگر خانواده‌ای امکانش را دارد، برای مدت کوتاهی عزیزش را به خانه بازگردند تا بتوانیم سم‌پاشی ساختمان را انجام دهیم. این افراد کودک و بزرگسال هستند؛ بیشتر کودکان سرپرستی ندارند، اما تعدادی از خانواده‌ها موافقت کردند گروهی از این افراد را به‌ه طور موقت به خانه ببرند». براساس اعلام او، درحال‌حاضر حدود ۴۸۰ نفر در همین آسایشگاه نگهداری می‌شوند: «ما از روز اول حملات، ستاد بحران تشکیل دادیم. تمام پنجره‌ها اتاق‌ها و سالن‌های نگهداری را با چسب ضخیم محافظت کرده و درهای اضطراری را مشخص کردیم. کلاس‌های آموزشی در شرایط بحران برای مددیار و مددکارها برگزار کردیم. با اینکه ما یک مجموعه مردمی هستیم، در زمینه برق با مشکل مواجهیم، چراکه در این شرایط به ژنراتور برق نیاز داریم. خیلی از بیماران ما بیمارستانی‌اند و به آنها دستگاه وصل است. مکان‌های امن مجموعه را شناسایی کردیم که در صورت بحران، کودکان را به صورت صحرایی به آن بخش منتقل کنیم». یکی از نگرانی‌های این مراکز، مسئله تأمین اقلام غذایی و درمانی است: «برای آذوقه و ازارق و مخصوصا درمان و موارد بهداشتی بیماران، با مشکل مواجهیم. این روزها هم مشکل بیشتر شده است. چون به صورت مرتب باید خریدهای دارویی و بهداشتی را انجام دهیم. امیدواریم مردم ما را تنها نگذارند. مخصوصا برای تأمین دستگاه برق و تأمین اقلام دارویی». او به این نکته هم اشاره می‌کند که این مجموعه، مکان امنی مانند پناهگاه ندارد؛ چراکه ساختمان فرسوده است و ایمنی کافی ندارد: «ما شروع به ساخت ساختمان‌های جدید در طرح جامع کردیم تا مکان‌های فرسوده تخریب شود و فضای جدیدی ساخته شود. هرچند هنوز فاز اول آن هم احداث نشده است».

نگرانی این مراکز جنس متفاوت‌تری دارد. نبوی ادامه می‌دهد: «سیستم ایمنی برق ما فرسوده است و اگر یک جا آتش بگیرد، خیلی از مکان‌های دیگر را هم درگیر می‌کند. با توجه به اینکه بیماران ما معلول جسمی و حرکتی‌اند که با واکر و ویلچر حرکت می‌کنند، هنگام قرار دچار مشکل خواهند شد. هر پرستار هنگام بحران نهایت یک تا دو نفر را می‌تواند همراه خودش حرکت دهد. بیشتر بیماران ما وابسته به تخت‌اند، یعنی باید با تخت جابه‌جا شوند. امیدواریم اتفاقی رخ ندهد، اما امکان اینکه در حملات فاجعه انسانی رخ دهد، وجود دارد. چون بیماران ما قابلیت فرارکردن ندارند و مکان‌های امن ما هم چندان بزرگ نیست. انتقال تمام بیماران و تجهیزات درمانی‌شان به مکانی دیگر معضلات خودش را دارد. مگر آنکه با کمک دولت و مردم بتوانیم سازه‌های مقاومی را اطراف ساختمان ایجاد کنیم. این افراد پایی برای فرار ندارند، اگر برق قطع شود، بسیاری طی یک ساعت، جان‌شان را از دست می‌دهند. تعداد این افراد در معرض خطر ۲۵ نفر است».

ترخیص زود هنگام معتادان

یکی دیگر از مراکز که این روزها از چشم جامعه دور مانده، مددجویانی هستند که در مراکز کمپ اعتیاد به صورت داوطلبانه یا اجباری حضور دارند. در بحران‌های مختلف اجتماعی، پیش می‌آید که برخی مراکز با سیاست کاهش مددجو، بسیاری را زودتر از زمان تعیین‌شده ترخیص کنند؛ موضوعی که سپیده علیزاده، مدیر مؤسسه نور سپید هدایت که در حوزه افراد آسیب‌دیده فعالیت می‌کند، با «شرق» مطرح می‌کند: «به صورت رسمی و غیررسمی در چنین شرایط بحرانی، مثل زمان شیوع کرونا، مددجوها ترخیص می‌شوند. این افراد وقتی از مراکز بیرون می‌آیند، بلا تکلیف‌اند و دوباره به محیط آسیب‌بازمی‌گردند. اینکه دستورالعمل بهزیستی چه چیزی را اعلام می‌کند، یک حرف است و اینکه در سطح شهر چه اتفاقی می‌افتد، حرف دیگر. تجربه‌ای که در دوران کرونا داشتیم، این بود که مددجوها، از زندان

تا مراکز نگهداری، کمپ ترک اعتیاد و حتی بیمارستان‌ها ترخیص‌های زودتر از موعد داشتند. مخصوصا کسانی که خانواده‌های حمایتگر ندارند، رها می‌مانند. از طرفی با توجه به سیاست‌گذاری‌های که شهرداری در سال‌های اخیر داشته، خیلی از مراکز نگهداری شبانه‌روزی تعطیل شده‌اند و الاان نهادهای مدنی در مناطق آسیب‌حضور ندارند تا به این افراد خدمات بدهند. هم‌اکنون جای خالی نهادهای مردمی به شکل نمایانی به چشم می‌آید. تصور کنید افرادی که به اجبار دستگیر یا به‌اصطلاح ساماندهی می‌شوند، وقتی بدون برنامه ترخیص می‌شوند، اولویت اول‌شان این است که دوباره به سمت مصرف مواد مخدر بروند. از طرفی در چنین بحران‌هایی، قیمت مواد مخدر بالا می‌رود و طبق آنچه همکاران در گشت‌زنی به من گزارش می‌دهند، خیلی از مددجوها به مصرف متادون روی آورده‌اند، چون قیمت دولتی دارد».

با این حال، عباس دیلمی‌زاده، مدیرعامل جمعیت خیریه تولد دوباره، می‌گوید در روزهای گذشته برخی از مددجوها را ترخیص کرده‌اند. او به «شرق» می‌گوید: «ما دو نوع مرکز درمانی داریم که اجباری و غیراجباری است. ما در حوزه مراکز داوطلبانه فعالیت می‌کنیم. طبق بخش‌نامه بهزیستی تهران، افرادی که خانواده دارند، خانواده هم‌پذیری آنها بودند و ۲۰ روز هم از درمان آنها طی شده، اعلام شده به خانواده‌ها تحویل داده شوند، بنابراین برای سایر افراد این خدمات ارائه خواهد شد. درحال‌حاضر دستوری برای جابه‌جایی این مددجوها که تحت مراقبت ما هستند، داده نشده است. حتی دستوری هم برای آنکه پذیرشی برای افراد جدید صورت نگیرد، نداریم و به کارمان ادامه خواهیم داد».

درهای مراکز برای ترخیص نباید باز باشد

بسیاری از مراکز که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعال هستند، در چند روز گذشته با تغییراتی در روند کار مواجه شده‌اند. مددجویانی که امکان ترخیص زودتر از موعد داشتند، تحویل خانواده‌ها شده‌اند. برخی دیگر هم، به‌ویژه مراکز شبه‌خانواده مجبور به جابه‌جایی مکان نگهداری کودکان خود شدند. با این حال، حسن موسوی چلک، معاون سلامت سازمان بهزیستی، برای «شرق» توضیح می‌دهد: «هم‌اکنون مراکز ما فعال هستند و تاکنون تعطیلی نداریم. ازاین‌رو مراکز به خدمات‌شان مانند گذشته ادامه خواهند داد. تنها کاری که انجام دادیم، این بود که به مراکز اعلام کردیم آمادگی کامل برای ارائه خدمات داشته باشند و ایمنی مکان را ارزیابی کنند. دراین‌میان با کمک مراکز و همکاران ما در استان‌ها، بازدیدهایی در حال انجام است تا تأمین اقلام غذایی و دارویی از طرف مراکز صورت گیرد. از طرفی گفته شده مکان‌های امن اطراف مراکز بررسی شود. ما مدیریت جابه‌جایی مددجوهایی مراکز را برعهده مدیران استان گذاشتیم. امکان دارد مرکزی در کنار ساختمان حساسی باشد که آن نیست و احتمال حمله وجود داشته باشد، ما این اختیار را به مدیر استان‌ها دادیم تا تمهیداتی را اتخاذ کرده و دچار مشکل نشوند. ما استان‌های معین خود را هم مشخص کردیم که اگر استانی دچار مشکل شد، کدام استان می‌تواند به آنها کمک کند. برای هر استان، چند استان دیگر را با وظایف تعیین‌شده، مشخص کردیم تا آنها بتوانند در مواقع لزوم کمک‌رسانی کنند. فعالیت مراکز ترک اعتیاد اختیاری، زیرمجموعه بهزیستی است و تعدادی از مراکز ماده ۱۶ زیرمجموعه چند ارگان مختلف از جمله شهرداری و نیروی انتظامی با سپاه است و در این شرایط بهزیستی دیگر مرجع صدور مجوز برای آنها نیست». چلک درباره ودیوئی که در آن گروهی با لباس یکسان در جاده‌ای رها شده بودند و گفته شد از کمپ ترک اعتیادی بیرون آمده‌اند، توضیح می‌دهد: «مراکز افرادی با خانمان متعلق به شهرداری است و علت این ماجرا را من نمی‌دانم. در هر حال توصیه می‌شود در چنین شرایطی مراکز تجمعی نباشد ولی از جزئیات کار شهرداری خبر ندارم. ما در مراکز زیرمجموعه بهزیستی این کار را نکردیم. فقط در برخی مراکز اگر خانواده شرایط نگهداری داشت که کمپ ترک اعتیاد بهزیستی می‌کند، با «شرق»

تحویل خانواده داده شد. نکته اینجاست که در برخی آنها درگیر سه تا چهار نفر از این افراد هستند، بنابراین بهتر است که در چنین شرایطی داخل مراکز باشند. بنابراین تا جایی که خانواده‌ها پذیرفتند این کار انجام شد و چون خودمان را متعهد به افرادی می‌دانیم که از سازمان خدمات می‌گیرند، به هیچ مرکزی را برای خروج آنها از حوزه توان‌بخشی و اعتیاد تا مراکز شبه‌خانواده و آسیب‌دیدگان، باز نکردیم».

خبرخوان

۱۰۴ شهید در ۲۴ ساعت

وزیر بهداشت، با اعلام آخرین آمار شهدا و مجروحان جنگ گفت: «در ۱۳ روز جنگ، ۶۰۶ نفر به شهادت رسیدند. از این میان ۱۰۷ نفر در مدت ۲۴ ساعت شهید شدند». محمدرضا ظفرقندی، با بیان اینکه از ابتدای این جنگ تحمیلی تاکنون، پنج‌هزارو ۳۳۲ مجروح در مراکز وابسته به وزارت بهداشت مورد درمان قرار گرفته‌اند، گفت: «۲۴ ساعت گذشته سهمکین‌ترین حملات و تجاوزات از ابتدای این جنگ از سوی رژیم غاصب و جنایتکار صهیونیستی به کشور انجام شد که تا صبح دیروز، هزارو ۳۴۲ مجروح و ۱۰۷ شهید بر جای گذاشت». او ادامه داد: «۹۵ درصد از شهدا زیر آوار جان باختند فقط پنج درصد از مجروحانی که به بیمارستان‌ها منتقل شدند، به شهادت رسیدند». وزیر بهداشت با اشاره به جانفشانی کادر سلامت در خط مقدم این جنگ، تأکید کرد: «روز دوشنبه به دلیل حملات وحشیانه رژیم غاصب صهیونیستی به مناطق اطراف بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران، ناچار شدیم بیمارستان سوختگی شهید مطهری را که نزدیک این بیمارستان قرار دارد، تخلیه کرده و تمام بیماران را به بیمارستان دیگری منتقل کنیم». ظفرقندی با بیان اینکه در حدود این دو هفته جنگ ناچار شدیم برای حفظ جان بیماران سه بیمارستان در معرض خطر را تخلیه کنیم، گفت: «مطابق تجارب جنگ هشت‌ساله و همه‌گیری کرونا سه حلقه اولویت‌ریز برای رسیدگی به وضعیت مجروحان جنگ پیش‌بینی شده بود که خوشبختانه با مدیریت خوب رؤسای دانشگاهی و علم‌پژو و مراکز بهداشتی و درمانی کشور و همه همکاران کادر سلامت به نحو مطلوب انجام شد». او حادثه انفجار در میدان قدس تهران و هم‌زمان ترکیدن لوله آب در ایسن ناحیه را مثال زد و افزود: «کادر سلامت بیمارستان شهدای تجریش با حضور در میدان قدس در مدت یک ساعت ۵۰ مجروح حادثه را به بیمارستان منتقل کردند. همچنین در بیمارستان شهید مدنی البرز شاهد بودیم که طی دو ساعت تمام مجروحانی که به این مرکز منتقل شده بودند، مورد پذیرش و رسیدگی قرار گرفتند». وزیر بهداشت با بیان اینکه نظام سلامت برای ارائه خدمات به مجروحان جنگ در آمادگی کامل قرار داشت، گفت: «کادر سلامت با وجود مطالبات پیشین خود، با تمام وجود در میدان حاضر شدند و به خدمت‌رسانی به مجروحان و آسیب‌دیدگان جاناتان صهیونیست‌ها در این دو هفته پرداخته و با انجام کارهای بزرگ، برگ افتخار دیگری بر تقویم افتخارات گذشته خود افزودند».

تشکیل کمیته‌اضطراری مدیریت بحران محیط‌زیستی

کمیته‌های تخصصی شرایط جنگی در تمام معاونت‌های سازمان و ادارات کل استانی تشکیل می‌شود. در جلسات کمیته اضطرار سازمان حفاظت محیط زیست که به ریاست شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، برگزار شد، تمهیدات فوری برای مقابله با آتار زیست‌محیطی حملات اخیر تصویب شد. براساس مصوبات این جلسه، کمیته‌های تخصصی شرایط جنگی در تمام معاونت‌های سازمان و ادارات کل تشکیل می‌شود. از مهم‌ترین این تصمیمات می‌توان به مستندسازی خسارات زیست‌محیطی، مدیریت پسماندهای خطرناک، انجام آزمایش‌های خاک در مناطق آسیب‌دیده و ایجاد سامانه یکپارچه اطلاع‌رسانی اشاره کرد. انصاری بر لزوم اقدام فنی و هماهنگی بین‌دستگاهی برای جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی تأکید کرد و دستور داد گزارش‌های اجرایی به صورت مستمر برای مبادی ذی‌ربط و مرتبط ارسال شود.

انتقال زندانیان اوین

مسئولان سازمان زندان‌ها، مددجویانی را که در این زندان در حال تحمل حبس بودند، به سایر زندان‌های استان تهران منتقل کردند. اقدام جابه‌جایی زندانیان از ساعات اولیه پس از حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به زندان اوین آغاز شد. براساس این، معاون اول قوه قضائیه همراه رئیس حفاظت و اطلاعات قوه و رئیس سازمان زندان‌ها هم روز گذشته از زندان تهران بزرگ بازدید و روند انتقال زندانیان زندان اوین به این زندانگاه را بررسی کردند. در این بازدید که با هدف نظارت و کنترل دقیق جابه‌جایی و خدمت‌رسانی به زندانیان انجام شد، مسئولان قضائی در جریان آخرین وضعیت انتقال و سلامت زندانیان و نحوه خدمات‌رسانی به آنها قرار گرفته و دستورات لازم را صادر کردند. همچنین زندانیان منتقل‌شده با خانواده‌های خود تماس گرفته و محل جدید نگهداری خود را به آنها گفت‌فاند یا اینکه این مهم در حال انجام است.